

مسالهء زبان مادری

ترجمهء امید شکری

این ترجمه به زنده یاد مظفر نعیمی، پدر ارجمند دوست خویم مهدی نعیمی تقدیم میگردد.

مقدمه

تحقیقات نشان داده است که کودکانی که به زبان مادری خود آموزش میبینند بهتر و سریعتر یاد میگیرند. مساله مهم در این بین، انتخاب زبان آموزشی مدارس از میان زبانهای اقلیتها میباشد. برخی از اندیشمندان بر این عقیده اند که سیستم آموزشی چندزبانه در برخی کشورها، تلاشی در جهت ارتقا و بهبود آموزش میباشد. مشکل عمده در راه اجرای سیاست آموزش چندزبانه، موانع سیاسی و اقتصادی در برخی کشورهاست.

در سال 1998، 61 درصد از رای دهندگان اسپانیائی زبان ایالت کالیفرنیا نسبت به آموزش تحمیلی زبان انگلیسی در مدارس اعتراض نموده و خواستار پایان انحصار این زبان در مدارس شدند. این اعتراضات با ائتلاف سازمانهای مدنی تدارک دیده شد. با اعتراض این عده، طرحی بنام طرح 227 به رای گذاشته شد که براساس آن، کودکان اسپانیولی زبان این ایالت پس از طی یک دوره فشردهء یکسالهء آموزش زبان انگلیسی وارد مدرسه شده و تحصیلات خود را به زبان اسپانیائی ادامه دهند. اجرای این طرح به سرعت در سراسر آمریکا مورد توجه قرار گرفت؛ چرا که بیش از 3/4 میلیون کودک آمریکائی به سختی میتوانند بزبان انگلیسی تکلم کنند یا اصلا بدان قادر نیستند.

با بررسی این طرح مشخص شد که دل بستگی خاصی نسبت بزبان مادری وجود دارد؛ طی دهها سال تمایل به پذیرش تحصیل بزبان مادری وجود داشته و همچنین مزایای آموزش چندزبانه بیشتر آشکار گردید. دکتر نادین دوشر Nadine Dutcher - مشاور مرکز زبانشناسی کاربردی دانشگاه واشنگتن دی.سی. - معتقد است که «امروزه معلمان از اهمیت و ارزش آموزش دانش آموزان بزبان مادری آگاهند».

نتایج بهتر

تحقیقات متعدد درستی این مساله را ثابت کرده است که اگر کودکان آموزشهای ابتدائی را بزبان مادری طی کنند، در مراحل بعدی موفق تر خواهند بود. اهمیت این مساله هنگامی روشنتر میشود که بدانیم 476 میلیون نفر از افراد بیسواد در سراسر دنیا بزبانهای اقلیت تکلم میکنند و در کشورهایی بسر میبرند که فرزندانشان بزبانی غیر از زبان مادری تحصیل میکنند.

نتایج یک بررسی در نیوزیلند نشان داده که دانش آموزان مائوری (Maori) که آموزشهای اولیه را بزبان مادری خویش سپری کرده بودند در مقایسه با دانش آموزانی که بزبان انگلیسی تحصیل کرده اند بهتر و سریعتر میتوانند مطالب را درک کنند. مطالعهء فوق توسط دکتر دان لانگ Don Long صورت گرفته است. وی ناشر کتب و مواد آموزشی درسی برای زبانهای اقلیت کشور نیوزیلند میباشد.

تحقیق جامع و دقیق دیگری درباره اهمیت آموزش بزبان مادری در سال 1985 توسط دانشگاه جورج ماسون George Mason ایالت ویرجینیا صورت گرفت. طی این تحقیق، 23 مدرسه ابتدائی از 15 ایالت آمریکا مورد مطالعه آماری قرار گرفتند. دانش آموزان این مدارس طی دوره های مختلف آموزشی 4 تا 6 ساله هم به زبان مادری و هم به زبان رسمی تحصیل کردند. نتایج این بررسی نشان داد که پس از 11 سال تحصیل در مقاطع تحصیلی مختلف، رابطه مستقیمی بین موفقیت تحصیلی و زمان اختصاص یافته به آموزش بزبان مادری وجود دارد.

دکتر دوشر درباره تاثیر آموزش بزبان مادری معتقد است که «آموزش بزبان مادری دارای ارزش شناختی و احساسی است. دانش آموزان عضو اقلیتها به هنگام کاربرد زبانشان احساس احترام بیشتری میکنند». به نظر کلینتون رابینسون Clinton Robinson - مشاور آموزش و توسعه و رئیس اسبق برنامه های بین المللی انستیتوی تابستانی زبانشناسی بریتانیا «کودکانی که به زبانی غیر از زبان مادری آموزش میبینند در آینده با دو مشکل عمده مواجه میگردند: اول اینکه اگر بخواهند از نظر فکری موفق باشند نباید زبان مادری را بکار گیرند و مورد بعد اینکه زبان مادری آنها بلااستفاده است».

بازنگری در سیاستهای زبانی

برخی از کشورهای پیشرفته و ثروتمند با آگاهی از مزایای سیاست آموزش چندزبانه تصمیم به اصلاح سیاستهای زبانی خود گرفته اند و ایده تسلیم زبان مادری در برابر سیاست یکسان سازی دیگر اعتبار خود را از دست داده است. میشل راباد Michel Rabaud - رئیس گروه ویژه درون وزارتی دولت فرانسه برای حفظ زبان فرانسه - میگوید: «سنت ژاکوبی (Jacobin)، یعنی تنبیه بدنی دانش آموزان به خاطر استفاده از گویشها برچیده شده است» و «تکلم بزبانی غیر از فرانسه دیگر برای کودکان عیب و نقص شمرده نمیشود».

کشورهای شمالی همه روزه شاهد ورود مهاجران بیشتری هستند و مجبورند که خود را با شرایط حضور این مهاجران تطبیق دهند. طبق آمار ارائه شده در گزارش یونسکو در مورد تنوع زبانی اروپا در سال 2000 بیش از یک سوم جمعیت اروپای غربی از 35 اقلیت مهاجر مختلف تشکیل یافته است.

تحقیقی که در هلند صورت گرفت نشان داد که از بین 41600 کودک مورد بررسی که بین 4 تا 17 سال سن داشتند، حدود 49 درصد دانش آموزان مدارس ابتدائی و 42 درصد دانش آموزان دبیرستانی در منزل بزبانی غیر از هلندی همچون تورکی، هندی، عربی یا بربر تکلم میکنند. در چنین شرایطی ادامه سیاستهای آسیمیلیاسیون زبانی بسیار مشکل خواهد بود.

دکتر کوتلای یاغمر Kutlay Yagmur محقق مرکز تحقیقات چندزبانگی دانشگاه تیلبورگ هلند اعتقاد دارد که «علیرغم این مساله و برعکس زبانهای بومی، قوانین کافی درباره زبانهای مهاجران وجود ندارد»؛ «ولی با تغییر الگوی جمعیتی این وضعیت نیز تغییر خواهد کرد».

این حقیقت برخی از کشورها را به فعالیت واداشته و فی المثل از بیست سال پیش در ایالت ویکتوریای کشور استرالیا آموزش به صورت دو زبانه برقرار گردیده است. از سال 2002 نیز واحدهای درسی اجباری با عنوان «زبانی غیر از انگلیسی» شامل 41 زبان در مدارس ابتدائی و دبیرستان ارائه میگردد. زبانهای ایتالیائی، اندونزیائی، ژاپنی، آلمانی و فرانسوی بیشتر رایج اند.

موانع عمده

با توجه به توسعه بهره گیری از آموزش بزبان مادری و سیستم آموزش چندزبانه در سرتاسر جهان، امروزه بیش از پیش زبان مادری بعنوان حقی طبیعی و انسانی مورد پذیرش و احترام قرار گرفته است. بر همین مبنای یونسکو در سال 1999، 21 فوریه را روز جهانی زبان مادری نامگذاری نمود و از همان سال این روز در اقصی نقاط دنیا گرامی داشته میشود. در برنامه اعلام شده از طرف یونسکو برای این روز، کشورهای دنیا به بهره گیری از آموزش بزبان مادری در کنار آموزش دو یا چند زبانه تشویق شده اند.

در حوزه علوم اجتماعی، زبان بعنوان عنصر مهم و سازنده هویت هر فرد شناخته میشود و در اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو (1) صراحتاً بر بازشناسی اهمیت زبانها در ارتقاء تنوع فرهنگی تاکید گردیده است. لکن هنوز علیرغم افزایش آگاهیها نسبت به مزایای سیستم آموزش چندزبانه و آموزش بزبان مادری، موانع بسیاری از قبیل موانع سیاسی در راه اجرای این برنامه ها وجود دارد.

لیندا کینگ Linda King - عضو ارشد برنامه یونسکو برای ارتقای کیفیت آموزش - درباره این موانع میگوید: «هر تصمیم گیری درباره زبانها امری سیاسی است»؛ «مسائل تکنیکی درباره نحوه تدریس این زبانها نیز محل سوال است. مساله مهم احترام به زبانهای محلی و قانونی ساختن بهره گیری از آنها در سیستم مدارس همانند فراهم ساختن دسترسی دانش آموزان به زبان ملی یا خارجی میباشد».

نویسنده صاحبنام فرانسوی لوئیس- ژان کالوت Louis-Jean Calvet در کتاب خود تحت عنوان

La Guerre des langues et les politiques linguistiques (Hachette, 1999)

چنین مینویسد: «جنگ زبانها همیشه بخشی از یک جنگ بزرگتر است».

یک تصمیم سیاسی

اقلیت های قومی همواره بخاطر ممنوعیت بکارگیری زبانهایشان در سیستم آموزشی کشورها اولین قربانیان مساله زبانها بوده اند. بعنوان مثال، اقلیت چینی کشور اندونزی در زمان ریاست جمهوری سوهارتو به خاطر ممنوعیت بکارگیری زبان چینی سرکوب شدند.

تصمیم گیری درباره زبانها به تصمیم گیریهای سیاسی وابسته بوده، چنانچه پس از استقلال کشورهای آفریقائی، اولین اقدام دولتهای جدید احیای زبانهای محلی در این کشورها بوده است.

در 1963، زبان سواهیلی (2) بعنوان زبان رسمی کشور کنیا انتخاب شد. کشور گینه نیز نسبت به احیاء، رسمی ساختن و سواد آموزی با هشت زبان عمده رایج در این کشور اقدام کرد. لکن با روی کار آمدن ژنرال لانسانا کونته Lansana Conte در اوسط دهه هشتاد در گینه، زبان فرانسوی به عنوان تنها زبان رسمی آموزشی ترویج شد. امروزه در سیستم آموزشی کنیا زبان انگلیسی بیش از زبان سواحیلی کاربرد دارد.

آنه بریست Annie Brisset - مدرس ترجمه و تفسیر در کالج اوتاوا و مشاور زبان در یونسکو- میگوید: «تنها تصمیم گیری سمبولیک کافی نیست»؛ «در بعضی کشورهای آفریقائی زبانهای استعماری قدیمی هنوز هم رواج دارد و برخی از والدین ترجیح میدهند بخاطر پرستیژ کودکانشان بزبان فرانسه یا انگلیسی آموزش ببینند، چرا که هنوز هم این برداشت غلط در برخی اقشار جوامع وجود دارد که این امر به معنی پیشرفت است».

در این مورد رایبسنون معتقد است که «برای اجرای سیستم آموزش چند زبانه، دولتها باید مزایای تنوع فرهنگی را درک نموده و به عنوان مشکل با آن برخورد نکنند. دولتها باید متکلمین زبانهای محلی را مورد حمایت قرار دهند».

احیای زبانهای محلی

در سال 2001 آکادمی زبانهای Mali-Based آفریقائی با هدف تشویق زبانهای این قاره تاسیس شد. از سال 1994 کشور مالی در مدارس خود برنامه «همگرانی» را اجرا میکند، این بدان معناست کودکان در دو سال نخست تحصیل در مدرسه ابتدائی بزبان مادری آموزش میبینند. اخیرا سنگال نیز طرحی را برای احیای زبانهای محلی بمورد اجراء گذاشته و از سال تحصیلی 2002، کودکان 155 کلاس در سراسر کشور بزبانهای Soninko, Wolof, Pulaar, Serere, Diola, Mandingo آموزش میبینند. این زبانها از بین بیست و سه زبان رایج در سنگال انتخاب گردیده اند. 100 درصد از زمان تحصیل در پیش دبستانی، 75 درصد از زمان تحصیل در سال اول دبستان و 50 درصد از زمان تحصیل در سال دوم و سوم ابتدائی به آموزش بزبان مادری اختصاص می یابد. پس از آن زبان فرانسه جایگزین میشود. لاکن مشکلات تکنیکی میتواند بر موانع سیاسی افزوده گردد. در کشورهایی مثل نیجریه که دارای بیش از 400 زبان است، مساله بفرنج تر میگردد. کدام زبانها میبایست برای آموزش انتخاب شوند؟ زبانهای انتخاب شده باید با زندگی مدرن متناسب گردند.

متناسب سازی زبانها

ابراهیم سیدیبه Ibrahim Sidibe - عضو ارشد و برجسته یونسکو در آموزش پایه - در این زمینه معتقد است: «برای آنکه این زبانها به ابزار آموزش تبدیل شوند، میبایست توانائیهای آنها از حد تعریف افسانه های جنگل فراتر رود و برای توصیف پدیده هائی از قبیل تکامل علمی گیاهان و اثر گلخانه ای غنی گردند». لاکن چگونه زبانی که از جریان اصلی علم بدور نگاه داشته شده و تنها به مکالمات روزمره محدود شده است، میتواند پا به پای لغات جدیدی که یک برنامه کامپیوتری یا مرورگر اینترنتی را تعریف میکنند حرکت کند؟ زبانهای گفتاری جمهوریهای شوروی سابق به مدت 70 سال رقابت سختی با زبان روسی داشته اند و امروزه با کمبود لغات مناسب برای توصیف علم مدرن و جهان تکنولوژیک مواجهند.

بریست میگوید: «بعنوان مثال، تورکی آذربایجانی که در 1992 زبان رسمی آذربایجان گردید و در گام نخست الفبای لاتین را جایگزین الفبای کیریل نمود، امروزه فقط برای مکالمات روزمره بکار میرود. بنابراین باید بانکهای اطلاعاتی ترمینولوژیک گردآوری شوند تا بر اساس آن در تمامی کلمات و اصطلاحات بازنگری صورت گیرد و کلمات جدیدی برای توصیف جنبه های قانونی، تجاری، دیپلوماتیک و تکنولوژیکی زندگی مدرن ساخته شوند. این مساله قبل از آنکه از آن به عنوان یک زبان آموزشی استفاده شود امری ضروری است».

وظیفه ای بس عظیم و هزینه بر در پیش است؛ همانطوریکه کشور پرو با اعلام زبان Quechua بعنوان یک زبان رسمی در سال 1975 آنرا دریافت. صورت مساله شامل ترجمه تمامی اسناد و تدریس آن بزبان اداری بود. دولت برآورد نمود که 200 هزار معلم برای انجام آن مورد نیاز میباشد و طرح تدریجاً متروک گردید. لاکن اکنون از جانب مردم محلی برای آموزش وسیع دوزبانه فشار آورده میشود.

ژوان کارلوس گودنزی Juan Carlos Godenzzi - استاد دانشگاه مونترال و رئیس سابق دپارتمان آموزش دوزبانه وزارت تحصیلات پرو- میگوید: «آنان روز به روز به حقوق خود آگاهتر میشوند و درخواست بازشناسی فرهنگ خود را دارند».

این بازشناسی نیازمند ارتقای زبان آن فرهنگ است، چرا که زبان اساس هویت هر فرد را تشکیل میدهد.

توضیح مترجم: اصطلاح «اقلیت» که در جای جای این مقاله برای اشاره به کمیت گروههای زبانی بکار رفته است، مبین شرایط موجود در کشورهای مورد تحقیق میباشد؛ زیرا در این کشورها زبانهای گروههای قومی «اقلیت» به عنوان زبانهای درجه دوم شناخته می شده اند. در حالیکه در ایران وضع کاملاً استثنائی بوده و حداقل در مورد زبان تورکی، این گروه قومی «اقلیت» نیست که زبانش مورد بی مهری قرار گرفته است. همچنین در برخی کشورهای فوق، گروههای زبانی اقلیت در اثر پدیده «مهاجرت» شکل گرفته اند، در حالیکه در ایران زبانهای بومی هستند که تحت فشار قرار دارند.

منبع:

<http://www.Portal.UNESCO.org>

پی نوشتها:

- 1) UNESCO Universal declaration on Cultural Diversity (2001)
- 2) Swahili (دلیلی برای نوشته شدن این کلمه به صورت سواحیلی وجود ندارد)